

Recognition of the author and the historical antiquity of the books attributed to Sulaym ibn Qays al-Hilālī

Kazem Ostadi¹

¹ ■ Researcher of Hadith and Quranic Sciences University of Quran and Hadith Sciences, Qom, Iran.: kazemostadi@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 10 June 2021 Received in revised form: 1 Sept 2021 Accepted: 13 Sept 2021 Published online: 23 Sept 2021 Keywords: Sulaym ibn Qays al-Hilālī, , Nusayriah Salman Farsi, Jabal Amil, Iran, Iraq, Safavid.	There are various sayings about Sulaym ibn Qays al-Hilālī. Some consider this name imaginary or pseudonym. Some have adapted this name to other personalities such as Suleiman Ibn Banqis Yashkari or Qais Ibn Ibadah and some have considered Salim Ibn Banqis to be a real person and one of the companions of Hazrat Ali (AS). There is also disagreement about the attribution of the book of Hadith to Sulaym ibn Qays. Some have considered the writing of the book by Sulaym to be the work of his great-grandfather. Some believe that Sulaym had a book of hadith based on the existence of a hadith called Sulaym. According to new research, it has become clear that the existing books attributed to Salim were not available to Shiite Imami scholars in the first six centuries AH. Now, the fundamental question is, who were the authors and / or authors of the existing versions? The present study, using descriptive and analytical methods and citing library sources, by determining the age of the existing books attributed to Sulaym and examining other formal and contentual signs, has concluded that these books are the legacy of Ghaliyan Nusayriah Sham - mid-century. It belongs to the fourth to the middle of the sixth century AH. Numerous researches have been done about Suleiman bin Qais and the book attributed to him. There is also a source on this subject (Ostadi, 1399). Apart from these articles and researches, there are many that have all been introduced in the bibliography of Salim Benghis. "Validation of the authenticity of Mahdavi narrations of the current book of Solim Ibn Qais and the validity of the book in the works of Sheikh Mofid" (Ostadi, 1399) and "Study of the attribution of the document of Sulaym's book to Sheikh Tusi" (Ostadi, 1400), And the attribution of existing books to him Both studies, apart from the lack

of accurate and clear answers, have erred in not paying attention to the very important issue that will be raised.

Now, we are faced with two categories of Hadiths attributed to Salim: First, the Hadiths are often short and with moral content and manaqibs, all of which have been quoted from "Umar ibn Uwzina" and have been narrated differently in Hadith works and ... the first centuries. Second, the long (historical) Hadiths in the current book attributed to Sulaym, the document of which is in all manuscripts from Mu'ammār bin Rashid and not from Umar ibn Uwzina (see: Ostadi, 1399). However, there is an exception to this, and that is about five Nomani hadiths in the book of Al-Ghaybah, which are not narrated from Umar ibn Uwzina and have been quoted from Mu'ammār bin Rashid, who wrote in another article about the authorship of these Hadiths. And we have mentioned their addition to the original version of Al-Ghaybah Nu'mani (see: Ostadi, 1400).

Research based on archaeological evidence shows that the date of writing of the current books attributed to Sulaym ibn Qays was between the years 343 to 577 AH, and we still have original documents that show that these books are definitely attributed to Sulaym ibn Qays. We do not have. Since in the Safavid period, many efforts were made to create collections of Shiite hadith, and the existence of financial, political and transportation facilities, as well as communication between Shiites in Iran, Iraq and the Levant, led to the collection of more Shiite manuscripts. And this situation created a new ground for the Imami scholars to get acquainted with some abandoned and forgotten works of other regions. It seems that during this period, copies of books attributed to Sulaim were made available to the Imami scholars of Iran. This means that perhaps a copy of these books from the Shamat region was given to the scholars of Jabal Amil and through them reached Iran and Iraq and the Shiite scholars of the Safavid period and accessed their books. This view is reinforced by the fact that old copies of books attributed to Sulaim that were written before the Safavid era are no longer available.

Cite this article: Ostadi, Kazem (2021). Recognition of the author and the historical antiquity of the books attributed to Sulaym ibn Qays al-Hilālī. *Journal of Iranian and Islamic studies*. Volume 11, Issue 3, Autumn 2021, Pages 1-28.

. DOI: **10.30484/JII.2022.3015.1070**



© The Author(s). Ostadi, Kazem. Publisher: National Library and Archives of the I. R. of Iran

DOI: **10.30484/JII.2022.3015.1070**

بازشناسی مؤلف و قدمت تاریخی کتاب‌های منسوب به سلیم بن قیس کاظم استادی^۱

۱. پژوهشگر، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران رایانامه: kazemostadi@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

درباره سلیم بن قیس اقوال مختلف و گوناگونی وجود دارد. برخی این نام را موهوم و، یا مستعار می‌دانند. برخی این نام را با شخصیت‌های دیگری همانند سلیمان بن قیس یشکری و، یا قیس بن عباد تطبیق داده‌اند و برخی نیز سلیم بن قیس را شخصیتی واقعی و از اصحاب حضرت امیر (ع) قلمداد کرده‌اند. همچنین، درباره انتساب کتاب حدیثی به سلیم بن قیس نیز اختلاف نظر وجود دارد. برخی تألیف کتاب توسط سلیم را ساخته ابان بن ابی عیاش دانسته‌اند. برخی به اعتبار وجود احادیثی به نام سلیم، معتقدند که سلیم بن قیس کتاب حدیثی داشته است. طبق پژوهش‌های جدید، روشن شده که کتاب‌های موجود منسوب به سلیم، در شش قرن اول هجری قمری در دسترس علمای شیعه امامیه نبوده است. اکنون، مسئله اساسی این است که مؤلف و، یا مؤلفان نسخه‌های موجود چه کسانی هستند؟ پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای، با تعیین حدودی قدمت کتاب‌های موجود منسوب به سلیم و بررسی دیگر نشانه‌های شکلی و محتوایی، به این نتیجه رسیده است که این کتاب‌ها، به میراث غلات نصیریّه شام میانه قرن چهارم تا اواسط قرن ششم هجری قمری تعلق دارد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۲

تاریخ نشر آنلاین: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱

واژه‌های کلیدی:

سلیم بن قیس هلالی،

نصیریّه،

سلمان فارسی،

جبل عامل،

ایران،

عراق،

صفوی.

استنا کاظم استادی (۱۴۰۰). بازشناسی مؤلف و قدمت تاریخی کتاب‌های منسوب به سلیم بن قیس، مطالعات ایرانی و اسلام، دوره ۱۱، ش ۳، صص ۱-۲۸.

Doi: 10.30484/JII.2021.2949.1055

ناشر: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

© نویسندگان. کاظم استادی





مقدمه

برای اعتبارسنجی یک کتاب، مخصوصاً یک کتاب حدیثی، قبل از بررسی راویان و اسناد روایات و احادیث، لازم است که وضعیت مؤلف کتاب از جهات مختلف، بررسی و راستی‌آزمایی شود. بنابراین، اولین مرحله برای بررسی یک کتاب، بررسی وجود خارجی مؤلف اثر است. اینکه آیا مؤلف هویت واقعی دارد و، یا اسمی موهوم و، یا مستعار است و کتاب را به دلایل مختلف، به این نام خیالی منسوب کرده‌اند. دربارهٔ سلیم بن قیس، اقوال مختلفی وجود دارد. برخی این نام را موهوم و، یا مستعار می‌دانند (مدرسی، ۱۳۸۳ ش: ۱۲۰) برخی این نام را با شخصیت‌های دیگری همانند سلیمان بن قیس یشکری (قندهاری، ۱۳۹۸ ش: سراسر متن) و، یا قیس بن عباد (یحیی، ۱۳۹۷ ش: سراسر متن) تطبیق می‌دهند. به این معنی که چون ردّ پای مستقلی از وی در آثار رجالی و منابع وجود ندارد، به دلایلی معتقدند که سلیم بن قیس نام دیگر این شخصیت‌ها است. برخی نیز سلیم بن قیس را شخصیتی واقعی و از اصحاب حضرت امیر (ع) قلمداد کرده‌اند (انصاری، ۱۴۱۵ ق: مقدمه)؛ در هر صورت، وجود شخصیت و وضعیت رجالی سلیم بن قیس، بسیار مناقشه‌آمیز و محل اختلاف است (استادی، ۱۴۰۰ ش: الف، ۲۵۰).

برای بررسی یک کتاب، در مرحله دوم لازم است بررسی شود که این شخصیت واقعی، اثر و تألیفی داشته است، یا اینکه اثری را به اشتباه سهوی و یا عمدی، به وی منسوب کرده‌اند. این وضعیت، جدای بهره‌گیری از کتاب‌های رجالی و فهرستی، با جست‌وجو در منابع هم‌دوره و، یا پس از زمان مؤلف، قابل پیگیری و راستی‌آزمایی است. دربارهٔ انتساب کتابی حدیثی به سلیم بن قیس، اختلاف نظر وجود دارد. برخی همانند ابن غضائری، تألیف کتاب منسوب به سلیم را ساخته ابان بن ابی عیاش دانسته‌اند (غضایری، ۱۴۲۲ ق: ۶۳ و ۱۹۳) و برخی نیز بدون ارائه دلایلی و فقط به اعتبار وجود احادیثی به نام سلیم، معتقدند که سلیم بن قیس کتاب حدیثی داشته است (انصاری، ۱۴۱۵ ق: مقدمه).

پس از بررسی مراحل قبل، این نکته بسیار حائز اهمیت است که توجه کنیم جدای از آثار نوشتاری، گفتارهای شفاهی دوره‌های متقدم و اکنون، به صورت نسخه نوشتاری خطی در دسترس ما قرار می‌گیرند. بنابراین، تنها راه داشتن معارف پیشینی اصیل، توجه و بررسی

اصالت آثار و وضعیت نسخه‌های خطی منابع متقدم، از جهات گوناگون است. نسخه‌های کتاب‌های منسوب به سلیم بن قیس، وضعیت بسیار پیچیده‌ای دارد. حدود هفت تا هشت مدل از نسخه‌های خطی موجود، قابل نشانه‌گذاری‌اند که روایات آنها حدوداً ۷ تا ۴۸ حدیث و مجموعاً حدود ۷۰ حدیث است که البته در این مدل نسخه‌های خطی، یک حدیث مشترک وجود ندارد (استادی، ۱۳۹۹ ش: مقدمه)

از همه مسائل و مراحل گذشته مهم‌تر، توجه به نکته‌ای است که میان محققان دینی کمتر به آن توجه شده و آن اینکه، وقتی یک کتاب خطی در دسترس ما قرار می‌گیرد، جدای از هویت تاریخی مؤلف و انتساب صحیح آن اثر به او، لازم است تحقیقی مجزا صورت گیرد که آیا کتاب موجود، همان اثر مورد نظر از مؤلف است، یا خیر. و «این‌همانی» اثر تایید شود. این بررسی به این معنی است که یک شخصیت تاریخی ممکن است کتاب حدیثی با عنوان الف داشته باشد، اما کتاب «الف» کنونی و در دسترس ما، همان کتاب «الف» آن مؤلف متقدم نباشد.

با فرض وجود هویت تاریخی برای شخصیت سلیم و پذیرش این مسئله که وی احادیثی نقل کرده و، یا کتابی حدیثی داشته است، طبق پژوهش‌های جدید، روشن شده که کتاب‌های کنونی و در دسترس منسوب به سلیم، در طول شش قرن اول هجری قمری وجود نداشته‌اند و، یا حداقل، در دسترس علما نبوده‌اند و، یا از آن استفاده نکرده‌اند (استادی، ۱۳۹۹ ش: ث، سراسر متن). چه، نسخه‌های کتاب‌های کنونی سلیم، جعلی و ساخته قرون اول، چهارم و ششم هجری قمری باشد و چه، شخصیت سلیم بن قیس هلالی وجود و هویت تاریخی نداشته و نام سلیم بن قیس، نامی مستعار باشد (استادی، ۱۳۹۹ ش: ج ۱۵۰) و چه اینکه تألیف این کتاب سهواً، همانند برخی از آثار دیگر مانند/اختصاص و المسترشد (استادی، ۱۴۰۰ ش: سراسر متن)، به سلیم بن قیس منسوب شده باشد، اکنون این مسئله اساسی پیش روی ماست که نسخه‌هایی از کتاب‌ها در دسترس و موجودند که تعدادی از روایات مطاعن و ملاحم تاریخی و کلامی در آن ذکر شده است. بدین معنی که کسی و، یا کسانی این کتاب و، یا کتاب‌ها را تألیف و تدوین کرده‌اند. پس لازم است تأمل و پرسیده شود که مؤلف و، یا مؤلفان کتاب‌های کنونی منسوب به سلیم بن قیس، چه کسی و، یا کسانی هستند؟ و آیا با شواهد و قرائن (شکلی یا محتوایی) می‌توان مؤلف و، یا مؤلفان این

کتاب‌ها را شناسایی کرد؟ حتی اگر نتوانیم مؤلف یک کتاب را به اسم و با مشخصات دقیق مشخص کنیم، روشن کردن انتساب یک کتاب به یک گروه، یا یک فرقه و، یا تعیین حدودی دوره زمانی تألیف نیز کارگشا و اثرگذار است. بنابراین، باید این سؤال را درباره یک کتاب مجهول و گمنام پرسید که آیا کتاب‌های کنونی منسوب به سلیم بن قیس، تألیف گروهی خاص و مشخص است؟ به این معنی که آیا نسخه‌های کنونی کتاب‌های منسوب به سلیم، شاخصه‌هایی در خود دارند که گواه ارتباط و، یا نزدیکی محتوا، یا مشخصات شکلی کتاب با مرام و اعتقادات فرقه‌های شناسنامه‌دار در طول تاریخ اسلامی باشد که نشان دهد این کتاب‌ها تألیف آنهاست؟

پیشینه پژوهش

درباره سلیم و کتاب منسوب به او، تحقیقات متعددی انجام شده است. درباره این موضوع مأخذ شناسی نیز وجود دارد (استادی، ۱۳۹۹ ش: چ، سراسر متن). جدای از این مقالات و تحقیقات که حدود ۵۰ اثرند و همگی در مأخذ شناسی سلیم بن قیس معرفی شده‌اند، چند مقاله نیز اخیراً منتشر شده است که عبارتند از: «معرفی نسخه‌های خطی سلیم» (استادی، ۱۳۹۹ ش)؛ «اعتبار سنجی اصالت روایات مهدوی کتاب کنونی سلیم بن قیس و اعتبار کتاب در آثار شیخ مفید» (استادی، ۱۳۹۹ ش) و «بررسی انتساب سند کتاب سلیم به شیخ طوسی» (استادی، ۱۴۰۰ ش)، اما ظاهراً تنها دو پژوهش، به هویت‌یابی شخصیت سلیم و انتساب کتاب‌های موجود به او پرداخته‌اند (یحیی، ۱۳۹۷ ش: سراسر متن؛ قندهاری، ۱۳۹۸ ش: سراسر متن). هر دو پژوهش، جدای از نرسیدن به پاسخ دقیق و روشن، به دلیل توجه نداشتن به مسئله‌ای بسیار مهم که در پی می‌آید، در کج‌راهِه قرار گرفته‌اند.

اکنون، با دودسته احادیث منسوب به سلیم روبه‌رو هستیم: نخست، احادیث غالباً کوتاه و با محتوای اخلاقی و مناقبی که همگی از «عمر بن‌اذینه» نقل شده‌اند و در آثار حدیثی و... قرون نخستین به‌طور متفرق نقل شده‌اند. دوم، احادیث بلند (تاریخی و مطاعنی) موجود در کتاب کنونی منسوب به سلیم که سند آن در تمامی نسخه‌های خطی از معمر بن‌راشد است و نه از عمر بن‌اذینه (نک: استادی، ۱۳۹۹ ش: الف، جدول راویان). هر چند که در این میان، یک استثنا وجود دارد و آن حدود پنج حدیث نعمانی در کتاب الغیبه است که این احادیث،

منقول از عمر بن اذینه نیست و از معمر بن راشد نقل شده است که در نوشتار دیگری، درباره نو نویس بودن این احادیث و افزوده شدن آنها به نسخه اصلی *الغیبه* نعمانی سخن گفته‌ایم (نک: استادی، ۱۴۰۰ ش: ج، سراسر متن).

بنابراین پژوهش حاضر، با توجه به این مسئله مهم و نسخه‌شناسی‌های جدید (استادی، ۱۳۹۹ ش: ت، ۱۴۵)، به بازشناسی مؤلف کتاب‌های کنونی منسوب به سلیم و، یا حداقل، شناسایی دوره زمانی تألیف و گروه‌های هماهنگ با ساختار کتاب خواهد پرداخت.

۱. تعیین قدمت کتاب‌های کنونی منسوب به سلیم

قدمت کتاب‌های کنونی منسوب به سلیم بن قیس، از دو طریق قابل پیگیری، شناسایی و تخمین‌زدن است. یک، طریق محتوایی و غیر شکلی، دو، طریق شکلی و فیزیکی. روش بررسی شواهد محتوایی، ممکن است مناقشه‌آمیز و جدلی و در مواردی، غیر ممکن یا حداقل، بسیار مشکل باشد. مثلاً، در مواردی که خود اثر، ابتدایی و بسیار متقدم است و به منابع هم‌عرض، یا پیش از آن دسترسی نباشد. از آنجایی که تاریخ ادعایی انتساب کتاب‌های سلیم، به قرن اول مربوط است، و هم‌اکنون، منابعی از قرن اول در دسترس نیست، نمی‌توانیم از طریق این آثار، قضاوت درستی درباره سنجش محتوایی صرف از کتاب منسوب به سلیم انجام دهیم. بنابراین در این مقاله، فقط به دو طریق شکلی و فیزیکی، قدمت کتاب سلیم بررسی می‌شود.

یک) روش بررسی فیزیکی نسخه‌های خطی خود کتاب‌های منسوب به سلیم. به این معنی که اگر نسخه‌ای از سلیم وجود داشته باشد که تاریخ اصیل و غیر مخدوشی در آن باشد و، یا شواهد فنی و نسخه‌شناسی دیگر از این نسخه نشان دهد که این نسخه برای فلان تاریخ است، قدمت متن کتاب، حداقل از نظر فیزیکی، مشخص می‌شود. البته روشن است که ممکن است تألیف کتاب، پیش‌تر از تاریخ نسخه باشد، اما لاقلاً، مطمئن می‌شویم که تاریخ تألیف، پس از تاریخ قطعی نسخه خطی نیست.

دو) روش بررسی فیزیکی نسخه‌های خطی کتاب‌های دیگری که متن مستقیمی از کتاب‌های موجود منسوب به سلیم، در آنها وجود دارد. اگر یک نسخه خطی از کتابی غیر از کتاب سلیم با تاریخ مشخص یافت شود که بخش‌های از متن موجود نسخه‌های خطی منسوب

به سُلیم را در خود داشته باشد و البته این متن را به «کتاب سُلیم» استناد داده باشد، به این معنی است که لااقل، کتاب سُلیم در زمان آن نسخه خطی وجود خارجی داشته است.

۱.۱. قدمت نسخه‌های خطی موجود

با بررسی جدیدی (۱۳۹۹ ش) که انجام شده، ۴۹ نسخه فیزیکی از کتاب‌های منسوب به سُلیم شناسایی شده که اطلاعات کتابشناختی آنها در دسترس است. نسخه‌های کتاب‌های منسوب به سُلیم، حدود هشت مدل نسخه را شامل است. هر مدل، خود تحریرهای مختلفی دارد که در بین آنها نیز تفاوت‌هایی وجود دارد (استادی، ۱۳۹۹ ش: مقدمه). غالب این نسخه‌های خطی، از نظر قدمت، جدید محسوب می‌شوند و متعلق به بعد از قرن دهم‌اند. قدیمی‌ترین نسخه موجود از کتاب‌های منسوب به سُلیم، نسخه خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی (شماره ۱/۱۳۲۵۲)، به تاریخ دوشنبه ۲ رجب ۹۱۸ هجری قمری است که اطلاعات مختصر آن در ادامه ذکر می‌شود. اطلاعات تکمیلی و مفصل آن را در کتاب نسخه‌های خطی کتاب‌های منسوب به سُلیم ببینید (استادی، ۱۳۹۹ ش: ح، ۴۱).

این نسخه، ۲۶ حدیث دارد که البته طبق شماره نسخه‌های چاپی، ۴۰ حدیثی محسوب می‌شود و ترجمه فارسی به صورت زیرنویس دارد. جدای از سند ابتدایی، سندهای داخلی هم با کمی تفاوت دارد. نسخه چهارخطه است. یعنی، قسمت اول (برگ ۴ الی ۷۵) و قسمت دوم (برگ ۷۵ تا ۱۰۴) متن اصلی متفاوت‌اند. نسخه‌نویس، نام کاتب را «شمس‌الدین علی بن شمس‌الدین الطریفی» خوانده است، اما به نظر دقیق نیست. از آنجایی که خط نوشته کم‌رنگ شده و تصویر شمس‌الدین «اول» با شمس‌الدین «دوم» در نسخه، هماهنگ و مشابه نیست، به نظر می‌رسد نام کاتب «شمس‌العلم»، یا «شمس‌العلما»، یا «شمس‌العلی»، یا «شمس‌ابن» و، یا موارد دیگر باشد که با جست‌وجویی که انجام شد، در هیچ‌کدام از حالات، کاتب شناخته نشد.

۲.۱. قدیمی‌ترین نسخه غیر موجود و فرضی از کتاب‌های کنونی

محقق کتاب جدید سُلیم، نسخه‌ای از کتاب سُلیم را بدون مشخصات و با تاریخ ۶۰۹ هجری قمری، به کتاب تکمله الرجال شیخ عبدالنبی الکاظمی ارجاع داده و در جای دیگر، به بحارالانوار علامه مجلسی ارجاع داده است (انصاری، ۱۴۲۲ ق: ۳). محمدعلی روضاتی

(م. ۱۳۹۱ ق) نیز می‌نویسد: مامقانی مأخذ نقل خود را از علامه مجلسی نام نبرده و گفته است: «نسخه‌ای کهن از کتاب سلیم بن قیس دیدم با دو روایت که اندکی اختلاف با هم داشتند. در پایان یکی از آنها آمده بود: تم کتاب سلیم بن قیس بحمد الله و عونه غره ربیع الآخر من سنه تسع و ستمائة. کتبه ابو محمد الرمانی الی آخر» (روضاتی، ۱۳۹۳ ش: ۱۱۵ به بعد). شیخ آقابزرگ تهرانی (م ۱۳۸۹ ق) در الذریعه پس از وصف نسخه کتاب سلیم که در اختیار شیخ حر عاملی بوده، می‌نویسد: «مجلسی نیز نسخه خود را با نسخه کهنی به تاریخ ۶۰۹ به خط ابو محمد رمانی مقابله کرده بود، چنان‌که شیخ عبدالله مامقانی در تنقیح المقال، از او نقل می‌کند.» (تهرانی، ۱۴۰۸ ق: ۲ / ۱۵۸). عبدالله بن محمد حسن مامقانی (۱۳۵۱ ق) در تنقیح المقال گفته: «... أرسل المجلسی فی حقّ الکتاب ما ینبغی نقله، قال: وجدت نسخه قديمة من کتاب سلیم بن قیس بروایتین بینهما اختلاف یسیر، و کتب فی آخر إحداهما: تم کتاب سلیم بن قیس الهلالی بحمد الله و عونه، غره ربیع الآخر، من سنه تسع و ستمائة، کتبه أبو محمد الرمانی...» (المامقانی، ۱۳۹۹ ق: ۳۲ / ۴۴۳) و همین مطلب را میرزا حسین نوری (م ۱۳۲۰ ق) نیز در مستدرک الوسائل تکرار کرده است (نوری، ۱۳۸۲ ق: ۱۷ / ۲۹۸). ممقانی و محدث نوری، این مطلب را خود از مجلسی ندیده‌اند و هر دو از قول عبدالنبی کاظمی (۱۲۵۶ ق) نقل کرده‌اند. اما در تکمله الرجال کاظمی آمده است: «... ما رواه المجلسی من الاعتماد علیه قال: أقول: وجدت نسخه قديمة من کتاب سلیم بروایتین بینهما اختلاف یسیر، و کتب فی آخر إحداهما: تم کتاب سلیم بن قیس الهلالی بحمد الله و عونه غره ربیع الآخر من سنه تسع و ستمائة، کتبه أبو محمد الرمانی» (کاظمی، بی‌تا: ۱ / ۴۶۷)

تا اینجا، ادعای وجود نسخه قدیمی با تاریخ ۶۰۹ هجری قمری، به علامه مجلسی ختم شد، بدون آدرس مشخصی که بتوان آن را بررسی کرد. از آنجایی‌که در بحار و آثار مجلسی این مطلب یافت نشد، احتمال دارد مؤلف تکمله، این مطلب را از حواشی نسخه خطی کتاب سلیم و، یا حواشی علامه مجلسی استنباط کرده باشد که البته در این نسخه‌ها، تاریخ نسخه بیان نشده و فقط نوشته شده است: «... لقد قوبل مع نسخه مصححة سقیمه قديمة...» (سلیم، ۱۰۸۱ ق: ۱۲۶).

در دو نسخه خطی، اشاراتی هم‌زمان به علامه مجلسی و کتاب سلیم وجود دارد:

الف) نسخه شماره ۱۵۶۱۲ کتابخانه آیت الله مرعشی که کاتب نسخه نامشخص است و تاریخ کتابت نسخه، رمضان ۱۰۸۱ ق در کوفه ذکر شده و فهرست نویس نوشته است: در حاشیه به خط شریف علامه مجلسی تصحیح و با عبارت: «لقد قبل مع نسخه مصححه سقیمه قدیمه ...» که در نسخه حر عاملی (۱۰۸۷ ق، کتابخانه حکیم) نیز همین حاشیه به نقل از نسخه علامه مجلسی نوشته شده است. از این نسخه‌ها، تاریخ نسخه قدیمی در دست علامه مجلسی مشخص نمی‌شود، بنابراین ممکن است منظور از قدیم، صد و، یا دویست سال قبل باشد.

ب) نسخه شماره ۱۵۶۳۸ کتابخانه مجلس شورای اسلامی؛ که کاتب نسخه نامشخص است و تاریخ احتمالی کتابت نسخه، سده یازدهم هجری قمری (حدود ۱۰۳۶ ق) ذکر شده است. این نسخه، دو مدل از کتاب‌های سلیم را شامل است (یعنی ۸ حدیثی و ۳۱ حدیثی). توضیحاتی نو نویس درباره کتاب سلیم در اول نسخه وجود دارد که در بخشی از آن ادعا شده: «و وجدت فی آخر جزء الاول من کتاب سلیم بن قیس رحمه الله به خط قدیم قریب به زمان المصنف رحمه الله هذا الحديث الشريف فی فضل هذا الكتاب» و در انتهای این نسخه و در حاشیه، با خط نو نویس و مجزا از متن ذکر شده: «بلغ الاعتبار و التصحيح بنسخه صحيحه قديمه جدا هكذا تاريخه فی آخر الجزء الاول: غره ربيع الآخر من سنه تسع و ثلثمائة، كتبه ابو محمد بن الرمانی» (سلیم، ۱۰۳۶ ق: ۶۰). مهم آن است که در ادامه مطلب بالا و با همان خط نویسنده آمده است: «به قلم فخرالدین حیدر بن محمود الحسینی الانکری لخرانه مولانا السيد الانجب الافخم الاجل الاعظم الاتقی دوحه شجره آل طه و یس مولانا میرزا محمد حسین خلد الله نعمه و ضاعف شرفه و عظمه و نشر لواءه، و علمه و امضی...». حیدر الانکری از تلامیذ محمد امین الاسترابادی (م ۱۰۳۶ ق)، صاحب الفوائد المدنیه است (تهرانی، بی تا: ۵ / ۱۹۵).

در فهرست نویسی این نسخه ذکر شده: نسخه مهمی است و از روی نسخه مورخ ۳۰۹ هجری قمری یا به عبارت اصح ۶۰۹ هجری قمری کتابت شده است (اشکوری، ۱۳۸۹ ش: ج ۴۳، ۱۵۶۳۸). یعنی، به خاطر شباهت نوشتاری ۳۰۹ و ۶۰۹، تاریخ تصحیف شده است (استاد، ۱۳۹۹ ش: پ، ۴۲۰). از این مدل نسخه (از مدل‌های کتاب‌های منسوب به سلیم)، سه

نسخه دیگر^۱ وجود دارد، اما در آنها ادعای کتابت از نسخه قدیمی نشده است. بنابراین، نسخه مجلس به شماره ۱۵۶۳۸، اولین نسخه از این مدل کتاب‌های سلیم است که ادعا کرده کتابت نسخه، از روی نسخه قدیمی منسوب به ابومحمد رمانی نگارش شده است. شخص ابومحمد رمانی (یا ریحانی) به عنوان کاتب و نویسنده اولیه و، یا حتی به عنوان یکی از اعلام، در منابع موجود شناخته نشده است تا تاریخ زندگی وی به دست آید و مشخص شود که او در چه قرنی، نسخه کتاب سلیم را کتابت کرده است تا از این طریق قدیمی بودن نسخه وی، اثبات شود. از آنجایی که هیچ اطلاع روشن و قابل استنادی درباره نسخه قدیمی غیر موجود از کتاب‌های سلیم در دسترس نیست، فعلاً این را ادعای که نسخه‌ای قدیمی با تاریخ ۶۰۹ هجری قمری در دست بوده است؛ صحیح فرض می‌کنیم. با این فرض، قدیمی‌ترین نسخه ادعایی برای نسخه مدلی از کتاب‌های منسوب به سلیم، مربوط به اوایل قرن هفتم هجری قمری است. این نسخه‌ها کلاً، بدون سند هستند. یعنی، نه سند ابتدای نسخه دارند و نه احادیث داخلی آنها مستند است.

۳.۱. قدیمی‌ترین متن مطابق با نسخه‌های کنونی در منابع دیگر

با بررسی کتاب‌های تاریخی، کلامی و حدیثی شیعه مربوط به شش قرن نخست، مشخص می‌شود که تعداد انگشت‌شماری حدیث به نقل از سلیم بن قیس، در این آثار وجود دارد که همگی به نقل از «عمر بن اذینه» است، جز پنج روایت موجود در کتاب کنونی الغیبه نعمانی که از «معمر بن راشد» نقل شده. دلایلی نشان می‌دهد که این احادیث سلیم در الغیبه نعمانی، ننویس‌اند. به این معنی که برخی افراد، احادیثی از کتاب‌های کنونی سلیم که با موضوع باب چهارم الغیبه همخوانی داشته، در حاشیه نسخه خطی کتاب الغیبه نعمانی یادداشت کرده‌اند و این حاشیه، در نسخه‌برداری‌های بعدی، به متن اصلی کتاب افزوده شده و وجه تمایزی بین متن اصلی و متن حاشیه قائل نشده‌اند (استادی، ۱۴۰۰ ش: ج، سراسر متن). البته این چند حدیث سلیم در الغیبه و نیز کل احادیث کتاب‌های کنونی منسوب به سلیم، تا قرن یازدهم هجری قمری، جز موارد اندک، در دسترس و، یا محل توجه علمای شیعه نبوده

^۱ نسخه کتابخانه شوشتری به تاریخ ۱۰۴۸ق با شماره ۷۵۰/۲، نیز کتابخانه آیت‌الله بروجردی به تاریخ ۱۰۶۶ق با شماره ۴۳۹؛ نیز: کتابخانه آستان قدس رضوی به تاریخ ۱۰۸۰ق با شماره ۹۷۱۹/۶.

است و حتی در آثار غیبت نیز از آنها استفاده نشده است. به عبارت دیگر، اولین کتاب‌هایی که به صورت مستقیم و منسجم، از کتاب‌های کنونی سُلیم استفاده کرده‌اند، آثار علامه مجلسی و اخباریان معاصر وی است (استادی، ۱۳۹۹ ش: ث، ۴۵۰).

در هر صورت، اولین نسخه خطی کتابی که در آن، احادیث کنونی کتاب‌های منسوب به سُلیم وجود دارد، نسخه خطی قدیمی کتاب //غیبه نعمانی است. این نسخه به شماره ۱۷۵۴ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است (درایتی، ۱۳۹۱ ش: ۲۳ / ۴۷۷). کاتب نسخه مشخص نیست و در ملاحظه عکس نسخه، مشخص شد که قسمت پایانی نوشته کاتب که تاریخ کتابت درج شده، در تعمیرات نسخه مخدوش شده است و برش اندکی از تاریخ حروفی نسخه، باقی مانده، ولی تاریخ ۵۷۷ هجری قمری، به فارسی و به صورت نو نویس برای آن درج شده است. بنابراین، با فرض صحت و اصالت تاریخ این نسخه، اولین نسخه خطی و فیزیکی که حدیثی از کتاب‌های کنونی سُلیم در خود دارد، نسخه‌ای به تاریخ قرن ششم هجری قمری است.

۴.۱. تعیین قدمت کتاب، با استناد به تاریخ اسناد نسخه‌های خطی منسوب به سُلیم
از ۴۹ نسخه فیزیکی از انواع مدل‌های کتاب‌های منسوب به سُلیم، ۱۵ نسخه فیزیکی که شامل دو مدل از کتاب‌های منسوب به سُلیم اند اسناد ندارند. بقیه نسخه‌ها، دو نوع اسناد ابتدای نسخه و اسناد داخلی اول برخی از احادیث را شامل‌اند. انواع اسناد این نسخه‌ها از این قرارند:

۱. نسخه‌های با سند حسن دینوری (سند ابتدایی نسخه + سند ابتدای احادیث)؛
۲. نسخه‌های با سند محمدبن صبیح (سند ابتدایی نسخه + سند ابتدای احادیث)؛
۳. نسخه‌های با سند محمدبن صبیح و نیز سند ابتدایی حسن دینوری؛
۴. نسخه‌های با سند محمدبن صبیح و نیز سند حسن دینوری، ابتدایی و داخلی؛
۵. نسخه‌های با سند محمدبن صبیح، به علاوه سند منسوب به شیخ طوسی؛
۶. نسخه‌های با سند محمد بن صبیح به علاوه سند منسوب به شیخ طوسی، و نیز اسناد داخلی ابتدای برخی احادیث از حسن دینوری؛
۷. نسخه‌های با سند منسوب به شیخ طوسی، بدون اسناد دیگر؛

۸. نسخه با سند صبیح و نیز سند دینوری، به علاوه سند منسوب به شیخ طوسی (استادی، ۱۳۹۹ ش: الف، سراسر متن).

همچنین قابل توجه است که همه نسخه‌های خطی کتاب‌های منسوب به سلیم، به نقل از «معمربن‌راشد» است. جز چند نسخه محدود و متأخر که با سند منسوب به شیخ طوسی و به نقل از «عمر بن‌اذینه» از آبان و سلیم است. این اسناد جعلی و از نوع تعویض سند هستند که به صورت نونویس در این نسخه‌ها درج شده‌اند (استادی، ۱۴۰۰ ش: ب، سراسر متن). بیشترین نوع اسناد نسخ خطی، یعنی، ۲۳ نسخه خطی، اسناد محمد بن صبیح را دارند که از این تعداد ۵ نسخه فقط، اسناد محمد بن صبیح را دارند و حدود ۱۸ نسخه، اسناد محمد بن صبیح را در ابتدای نسخه دارند و در ابتدای برخی از احادیث خود نیز سند حسن دینوری را دارند. این سند صبیح که از قضا تاریخ‌دار است (۳۴۳ ق) این گونه است: حدثنی أبوطالب محمد بن صبیح بن رجاء دمشقی سنه اربع و ثلثین و ثلثمائه قال أخبرنی أبوعمر و عصمه بن أبی عصمه البخاری قال حدثنا أبو بکر أحمد بن المنذر بن أحمد الصنعانی بصنعاء شیخ صالح مأمون جاز إسحاق بن إبراهيم الدبری قال حدثنا أبوبکر عبدالرزاق بن همام بن نافع الصنعانی الحمیری قال: حدثنا أبوعروه معمربن‌راشد البصری قال دعانی آبان بن أبی عیاش قبل موته بنحو شهر فقال... (استادی، ۱۳۹۹ ش: ح).

۵.۱. جمع‌بندی حدود دوره تألیف کتاب کنونی منسوب به سلیم

با توجه به قدیمی‌ترین نسخه خطی موجود کتاب‌های کنونی سلیم، قدمت تألیف کتاب منسوب به سلیم، نباید بعد از قرن دهم هجری قمری باشد و با توجه به نسخه خطی فرضی غیر موجود از این کتاب‌ها، قدمت تألیف از قرن هفتم هجری قمری فراتر نمی‌رود و با توجه به نسخه‌های کتاب‌های دیگر غیر از کتاب‌های سلیم، یعنی، نسخه // الغیبه نعمانی، قدمت تألیف کتاب کنونی سلیم از قرن ششم فراتر نیست و با توجه به تاریخ اسناد نسخه‌های خطی و با فرض صحت این اسناد، قدمت تألیف کتاب کنونی سلیم از قرن چهارم هجری قمری فراتر نمی‌رود. بنابراین، تاریخ تألیف کتاب‌های کنونی منسوب به سلیم، طبق شواهد باستان‌شناسی و نشان‌های شکلی و فیزیکی، در فاصله سال‌های ۳۴۳ تا ۵۷۷ هجری قمری

است. به این معنی که در حال حاضر، دلیلی شکلی و فیزیکی نداریم که نشان دهد کتاب‌های کنونی منسوب به سُلیم، قدمتی فراتر از سال‌های ۳۴۳ تا ۵۷۷ هجری قمری دارند.

۲. نصیریه و شواهدی منطبق با کتاب سُلیم

در ادامه، شواهدی ذکر می‌شود که نشان می‌دهد کتاب کنونی منسوب به سُلیم، باید به منطقه شام و میراث نصیریه تعلق داشته باشد.

۱.۲. راویان نهایی کتاب منسوب به سُلیم و جغرافیای آنها

اشاره شد که سند اصلی نسخه‌های سُلیم این گونه است: «حدثني أبو طالب محمد بن صبيح بن رجاء بدمشق سنة أربع و ثلثين و ثلثمائة قال أخبرني أبو عمرو عصمه بن أبي عصمه البخاري...». این سند، چند دانسته مهم برای ما دارد: اول، تاریخ ۳۴۳ قمری؛ دوم، نام دمشق و سوم، دو راوی نهایی که در ادامه شرح آن می‌آید.

الف) أبو طالب محمد بن صبيح بن رجاء

در نزد رجالیان شیعه، «محمد بن صبيح» مجهول و به عبارت بهتر، مهمل است. یعنی، کسی و منبعی به نام و نشان وی متعرض نشده و جدای از کتاب کنونی سُلیم، هیچ حدیثی منقول از شخص وی در احادیث و منابع شیعه یافت نشده است. حتی همین احادیث کتاب‌های کنونی و موجود منسوب به سُلیم نیز با این اسناد محمد بن صبيح، در هیچ یک از کتاب‌های حدیثی متقدم و متأخر شیعه نقل نشده است.

در منابع شیعی ایرانی و عراقی، یک حدیث از شخص «محمد بن صبيح السماک» دیده شد (نوری، ۱۳۸۲ ق: ۳۷۶/۱۰ و ۲۲۲/۱۲) که در تاریخ دمشق موجود است و در سال‌های اخیر، از این کتاب به کتاب بازسازی شده ابن عقده نیز راه یافته است. اما به عکس منابع ما، وی در آثار دمشقیان شناخته شده است. برای نمونه ابن عساکر در تاریخ دمشق، روایاتی از محمد بن صبيح نقل کرده است (ابن عساکر، ۱۴۱۵ ق: ۵ / ۵۶؛ ۳۱ / ۲۷؛ ۴۰ / ۳۵۱؛ ۴۴ / ۲۸۰؛ ۴۵ / ۲۶؛ ۴۶ / ۳۴۹؛ ۵۳ / ۲۷۵؛ ۲۷۴، ۲۷۶ و ۳۱۹؛ ۵۶ / ۲۰۱؛ ۷۱ / ۱۹).

با توجه به مجهول بودن محمد بن صبيح بن رجاء در منابع شیعی مکاتب حدیثی ایران و عراق و همچنین، ذکر و تصریح مکان دمشق در اسناد روایت وی، به نظر می‌رسد که این راوی، اهل منطقه شام است.

ب) عصمه بن‌ابی عصمه

وی نیز در کتب رجال شیعه کاملاً مجهول و به عبارت بهتر، مهمل است. همچنین مطلبی و، یا حدیثی از وی در کتب شیعه روایت نشده است. حتی همین احادیث کتاب‌های کنونی منسوب به سلیم با اسناد عصمه بن‌ابی‌عصمه، در هیچ‌یک از کتاب‌های حدیثی متقدم و متأخر نقل نشده است. برخی روایات در تاریخ دمشق ابن عساکر با عناوین زیر ذکر شده‌اند: «عصمه بن‌ابی‌عصمه»، «عصمه بن‌ابی‌عصمه البعلبکی»، «عصمه بن‌ابی‌عصمه اسرائیل» و «عصمه بن‌ابی‌عصمه البخاری» (ابن عساکر، ۱۴۱۵ ق: ۴۰/۳۴۱، ۳۵۱، ۳۵۳، ۳۵۴).

از عصمه بن‌ابی‌عصمه، فقط دو مطلب زیر، در تاریخ دمشق ابن‌عساکر و به تبع آن در مختصر تاریخ دمشق ابن‌منظور یافت شد:

الف) [۴۷۰۰] عصمه بن‌ابی‌عصمه اسرائیل بن‌یحماک أبو عمرو البخاری روی عن... و أبوطالب محمد بن‌صبح بن‌رجاء و أبوالمیمون بن‌راشد و... أبو عمرو عصمه بن‌ابی‌عصمه إسرائیل بن‌جماک البخاری بدمشق حدثنی... عن أبي هريره أن رسول الله (ص) قال لاتسموا العنب الکرم فإن الکرم الرجل المسلم (همان، ۴۰/۳۵۱).

ب) [۸۱۲۶] قال وأنا ابن عدى نا عصمه بن‌جماک کان مقيما بمصر تحول إلى دمشق... حدثنی عصمه بن‌ابی‌عصمه البخاری دمشق... قال أنا عبدالرحمن بن‌ملجم قاتل علی و إني لما قتلته و صارت روحی بین... و کتب علی قاتلها النار و العذاب من الله عزوجل و قد أتانی رسول الله أن أمضى بهذا الجسد جزيره فی البحر الأسود الذی یرج منه هوام أهل النار فأعذبه إلى يوم القيامة ذکر الفضل بن‌جعفر أنه سمع من عصمه سنه ثلاثمائة (همان، ۴۰/۳۵۱).

ج) جمع‌بندی

طبق درج صریح نام دمشق در متن اسناد نسخ خطی کتاب‌های منسوب به سلیم که پیش‌تر بیان شد و نیز ردّ پای نام و نشان ایشان در آثار منطقه شام و دمشق و همچنین تصریح دمشق بودن آنها در قیدهای نام راویان احادیث دیگر از آنها، به نظر می‌رسد که جغرافیای زیست این راویان و نقل و نشر احادیث آنها، منطقه شامات بوده است.

۲.۲. جایگاه سلمان و اهمیت وی در کتاب منسوب به سلیم

برای نشان دادن ارتباط کتاب‌های منسوب به سلیم با سلمان فارسی (با عنوان باب فرقه نصیریه و نیز نقش و جایگاه او در این گروه و در کتاب سلیم)، لازم است جداگانه، به جایگاه سلمان نزد غلات نصیریه و حضور برجسته او در کتاب‌های کنونی منسوب به سلیم بپردازیم.

۱.۲.۲. سلمان فارسی نزد نصیریه

سلمان فارسی، جایگاه ویژه‌ای در نزد فرقه نصیریه دارد. به طوری‌که از او به‌عنوان باب و حتی مظهر خدایی نام برده شده است (برعاشیر، ۲۰۰۳ م: ۲۱۷). وی فرستاده علی (ع) و صاحب پرده اسرار، یا همان «باب» است که برای رسیدن به علم و حکمت و اسرار باطن و باطن اسرار باید از آن گذشت. هیچ راهی برای رسیدن به او [خدا= علی (ع)] نیست، مگر سلمان قدرتمند استوار (بدوی، ۱۳۷۴ ش: ۴۰۹/۲ و ۴۱۲).

بنا بر آموزه تثلیثی نصیری، دو جوهر (اقنوم) از جنبه متعالی الوهیت صدور می‌یابند و معنا نامیده می‌شوند. حتی گاهی با خود خدا یکی دانسته می‌شود. جوهر دوم، اسم یا حجاب است و جوهر سوم، باب نام دارد. تثلیث دور یا قبه آخر، در سه فرد خلاصه شده است: علی (ع) به‌عنوان معنا، محمد (ص) به‌عنوان اسم و سلمان فارسی به‌عنوان باب (برعاشیر، ۲۰۰۳ م: ۲۱۷). برای نمونه خصیبه در رساله الرأسباشیه، با استفاده از مصطلحات نصیریه به بیان نسبت معنی، اسم و باب پرداخته است و در این نظام، معنی، حضرت علی (ع)؛ اسم، حضرت محمد (ص) و باب، سلمان فارسی است و خصیبه درصدد اثبات ازلی بودن معنی برآمده است (رحمتی، ۱۳۸۵ ش: ۳۰).

به عقیده نصیریه، علی محمد را آفریده و او را «نام» خوانده و محمد حجاب و مسکن علی است. محمد، سلمان فارسی را از نور خود بیافرید و او را «باب» خویش قرار داد و به نشر دعوت خود موظف کرد. از حروف آغازین این سه نام، رمز «عمس» پدید می‌آید. یعنی، کلمه سر از نظر این گروه عبارت است از سه حرف: ع (= علی)، م (= محمد)، س (= سلمان فارسی) و هنگامی که کسی تازه به دعوت می‌گردد و به جمع نصیریه در می‌آید، به سر یعنی «عمس» سوگند داده می‌شود (بدوی، ۱۳۷۴ ش: ۴۴۵ و ۴۴۸). آنان سوگندنامه‌ای

دارند که از عقایدشان پرده برمی‌دارند و می‌گویند: سوگند به حق علی اعلی، و آنچه درباره مظهر والا عقیده دارم، سوگند... اگر که به این سوگند وفادار نباشم از مولای خود «علی» علی عظیم و از ولایت نسبت به او و از همه مظاهر حق برائت جسته‌ام و پرده اسرار سلمان، بدون اذن او کنار زده‌ام و از دعوت حجت «نصیر» بیزاری جسته‌ام... (قلقشندی، بی‌تا: ۲۵۰/۱۳)

نصیریه، مراسمی به نام «قداس» بر پا می‌کنند. برای مثال در «قداس اذان» می‌گویند: گواهی می‌دهم که خدایی جز علی معبود، هیچ حجابی جز محمد محمود، هیچ بابی جز آقا سلمان فارسی نیست... پروردگارا، مولای من، ای علی، از تو می‌خواهم نماز را تا آسمان‌ها و زمین برپاست، برپا و مداوم بداری و آقا محمد را خاتم آن، سلمان را زکات آن، مقدار را سمت راست آن و ابوذر را سمت چپ آن قرار دهی (بدوی، ۱۳۷۴ ش: ۴۴۸/۲ و ۴۴۹). جدای از جایگاه خاص سلمان فارسی نزد نصیریه، احادیث منقول از سلمان و حضور وی در روایات، در آثار آنها به وفور به چشم می‌خورد. همچنین، نصیریه روز پانزدهم شعبان را نیز به یادبود درگذشت سلمان فارسی گرامی می‌دارند (بدوی، ۱۳۷۴ ش: ۴۲۶/۲).

۲.۲.۲. نقش و حضور سلمان در کتاب‌های سلیم

بعد از حضرت علی (ع) و پیامبر (ص)، بیشترین حجم حضور و نقش‌آفرینی در کتاب‌های منسوب به سلیم، به سلمان فارسی تعلق دارد. سلمان به انحاء مختلف همانند نقل مستقیم روایت، یا بودن نام او در احادیث، در این کتاب‌ها حضور جدی دارد. به طوری که انگار سلمان فارسی، یکی از ارکان سه‌گانه اصلی (عمس) ساختار مطالب کتاب است. سلمان فارسی در هشت حدیث به صورت مستقیم، ناقل روایت است (احادیث ۱، ۴، ۲۱، ۴۵، ۴۷، ۴۹، ۵۸، ۶۲ شماره چاپی) و در چهار حدیث، راوی مشترک (مثلاً با ابوذر و مقدار) و مستقیم روایت است (احادیث ۶، ۲۴، ۳۸، ۴۴)؛ و در پانزده حدیث، یکی از نقش‌آفرینان و مخاطبان داخل در روایات است (احادیث ۳، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۹، ۲۵، ۲۷، ۳۹، ۴۲، ۴۸، ۵۲، ۶۱، ۶۷). به طوری که از مجموع ۷۰ حدیث نسخه‌های مختلف کتاب‌های منسوب به سلیم، ۲۷ روایت آن با سلمان فارسی مرتبط است. مثلاً در نسخه ۴۸ حدیثی (معروف به نسخه حر عاملی) که چاپ‌های کتاب سلیم بر اساس آن انجام شده است، ۹ حدیث از ۴۸

حدیث، منقول از سلمان فارسی است که حدود ۴۰ صفحه، یعنی، ۱۴ درصد حجم احادیث نسخه را شامل می‌شود. نیز ۱۲ حدیث از ۴۸ حدیث، با سلمان مرتبط است. به این معنی که سلمان فارسی در حدود ۱۸۳ صفحه از ۲۹۰ صفحه کتاب، یعنی، حدود ۶۴ درصد حجم احادیث نسخه، حضور و نقش‌آفرینی دارد. این حضور، حالات مختلفی دارد. در برخی از موارد، صرف قرارگیری نام وی در روایت است. در موارد متعددی، سلمان مخاطب عادی و، یا ویژه پیامبر(ص) و، یا حضرت علی(ع) است. یعنی در مسائل مهمی، با بودن اصحاب دیگر و حتی شخص حضرت امیر(ع)، پیامبر(ص) سلمان را مخاطب اصلی خود قرار داده است؛ به عنوان نمونه در حدیث «... سپس پیامبر(ص) به فاطمه و همسر او و دو پسرش نگاهی کرد و فرمود: ای سلمان، خدا را شاهد می‌گیرم که من با کسانی که با اینان بجنگند روی جنگ دارم و با کسانی که با اینان روی صلح داشته باشند، روی صلح دارم. بدانید که اینان در بهشت همراه منند...» (سُلیم، ۱۴۱۵ ق: ۱۳۴، ح ۳).

۳.۲. هماهنگی موضوعات کتاب سُلیم با علایق نصیری

کتاب‌های کنونی منسوب به سُلیم، احادیث و روایاتی شامل ملاحم، فتن، مطاعن و به طور کلی، تاریخ و کلام پس از جانشینی پیامبر(ص) هستند. فهرست غالب موضوعات کلی کتاب سُلیم عبارتند از: ارتداد اصحاب پیامبر(ص) پس از ایشان (مگر سلمان، ابوذر، مقداد و زبیر)؛ پیشگویی پیامبر و علی(ع) درباره حکومت و ظلم‌های اموی بر شیعیان؛ تأکید بر افضلیت اهل بیت(ع) نسبت به صحابه دیگر؛ سفارش‌های پیامبر(ص) درباره اهل بیت(ع)؛ تأکید بر مسئله صحیفه ملعونه و ماجرای عقبه و نیز حدیث تابوت؛ تشریح بدعت‌های خلفای سه‌گانه؛ برخی جریان‌های دوره عمر و عثمان و نیز وقایع حکومت علی(ع) همانند صفین؛ تصریح به تعداد امامان از طرف پیامبر(ص)؛ توصیف جریان تحصن بنی‌هاشم و یاران علی(ع) در خانه ایشان؛ داستان آتش‌زدن خانه حضرت زهرا(س) و ضرب و اهانت به ایشان و نحوه بیعت گرفتن از علی(ع)؛ شرح ماجرا و جزئیات سقیفه بنی‌ساعده و برخورد یاران علی(ع)؛ کفر شیخین و باقی بودن ایشان بر بت‌پرستی قبل از اسلام؛ گزارش برخی سخنان و سخنرانی‌های علی(ع)؛ گفتارهای پیامبر(ص) مبنی بر وصایت و ولایت بلافصل

علی (ع)؛ معرفی امام مهدی (ع) و اینکه از نسل نهم امام حسین (ع) است (سلیم، ۱۴۱۵ ق: فهرست).

این موضوعات، در آثار نصیریان نیز به روشنی یافت می‌شود (ابوموسی، ۲۰۰۶ م: سراسر متن) برای نمونه به هدایه الکبری اثر حسین بن حمدان خصیبی (متوفی ۳۴۶ ق) توجه می‌کنیم که کتابی درباره زندگی و کرامات چهارده معصوم (ع) است. این کتاب، مشابهت‌های فراوانی با محتوای کتاب‌های کنونی منسوب به سلیم دارد. برای نمونه برخی از موارد را ذکر می‌کنیم:

۱. ماجرای عقبه که عده‌ای از افراد قصد ترور آن حضرت (ص) را داشتند که تعدادی از آن افراد را به قرار زیر معرفی می‌کند: عمر، ابوبکر، طلحه، زبیر، سعد بن ابی وقاص، ابوعبیده جراح، خالد بن ولید، مغیره بن شعبه، ابوموسی اشعری (خصیبی، ۱۴۱۱ ق: ۷۷ و ۷۹). ۲. معرفی ابوالطفیل عامر بن واثله، به عنوان یکی از شیعیان راسخ امام علی (ع) در زمان پیامبر خدا (ص) و همراهی او با شخصیت‌های بزرگی همچون سلمان، مقداد، ابوذر، عمار، حذیفه، ابوالهیثم مالک بن تیهان و خزیمه بن ثابت در آن دوره (خصیبی، ۱۴۱۱ ق: ۹۸). ۳. همچنین حضور برجسته ابوالطفیل را به همراه شخصیت‌های ذکر شده در حوادث پس از سقیفه که در سال ۱۱ ق شاهدیم بشدت از حضرت علی (ع) طرفداری می‌کند (همان، ۱۰۱). ۴. ماجرای مفصل کلام خورشید را نقل می‌کند که در جواب سلام حضرت علی (ع) با زبان عربی فصیح چنین پاسخ داد: «و علیک السلام یا ابا رسول الله (ص) و وصیه اشهد أنك عبدالله و او رسول الله حقاً» (همان، ۱۱۶ و ۱۱۹).

۴.۲. هم‌زمانی دوره تألیف کتاب سلیم با دوره شکوفایی نصیریه

نخستین شواهد بر وجود فرقه نصیریه، گزارش فرق الشیعۀ نوبختی (م ۲۸۸ ق) است که یکی از فرقه‌های شیعی را نمیریه، برگرفته از نام محمد بن نصیر نمیری (م ۲۵۹ ق) بیان کرده است (نوبختی، ۱۴۰۴ ق: ۹۳ به بعد؛ برومند، ۱۳۸۵ ش: سراسر متن). اما از قرن پنجم هجری قمری به این طرف، این فرقه خود را «خصیبی» نامیدند و تنها در قرن ششم هجری قمری در الملل والنحل شهرستانی (م ۵۴۸)، این فرقه، همچنان نصیریه نام برده شده است (شهرستانی، ۱۳۶۴ ش: ۲۲۰/۱؛ فرایمن، ۱۳۸۶ ش: ۱۳۷).

بعد از محمد بن نصیر، محمد بن جندب رهبری فرقه نصیری را عهده‌دار شد و پس از او، شاگردش یعنی، ابو محمد عبدالله جنبلانی (م ۲۷۸ ق) مشهور به جنان (موسی، ۱۳۷۹ ش: ۱۰۷) که ظاهراً فردی ایرانی و مهاجر از منطقه فارس ایران بوده، مروج نصیری می‌شود (رحمتی، ۱۳۸۵ ش: ۱۷۶). در قرن چهارم هجری قمری، رهبری نصیری به حسین بن حمدان خصیبی (م ۳۴۶ یا ۳۵۸ ق) می‌رسد که وی تلاش ویژه‌ای در این مرجعیت معنوی کرده، به طوری که او را بنیان‌گذار و مجدد فرقه نصیری دانسته‌اند و لااقل علویان، خصیبی را به‌عنوان مؤسس ثانی مذهب خود، بسیار بزرگ می‌دارند (برومند، ۱۳۸۵ ش: سراسر متن). این فرقه در دوره خصیبی، به توسعه و شکوفایی رسید و وی، نصیری را به منطقه شام منتقل کرد. هر چند که در عراق نیز نصیری فعال بودند و علی بن عیسی جسری عراقی (ز ۳۴۰ ق) به‌عنوان جانشین خصیبی، به ارشاد پیروان نصیری در بغداد پرداخت (رحمتی، ۱۳۸۵: سراسر متن). جانشین وی، ابوالحسن محمد بن علی جلی حلبی است (م ۳۹۹ ق) که احتمالاً کتابت *الغیبه نعمانی* نیز از اوست (اکبری، ۱۳۹۸ ش: ۱۲۳) پس از او، راهبری نصیری به سرور بن قاسم طبرانی (م ۴۲۶ ق) منتقل شد و او از حلب به لاذقیه مهاجرت کرد و در آنجا درگذشت. بر اساس نسخه‌ای از نصیری، به تاریخ کتابت ۶۳۶ هجری قمری، حداقل از وجود برخی افراد پیرو نصیری در عراق، می‌توان سخن گفت (رحمتی، ۱۳۸۵: سراسر متن).

با توجه به شکوفایی و توسعه نصیری در قرون چهارم و ششم هجری قمری و نیز تاریخ احتمالی کتابت کتاب‌های منسوب به سلیم در میانه سال‌های ۳۴۳ تا ۵۷۷ هجری قمری، به نظر می‌رسد که این هم‌زمانی، می‌تواند شاهی برای شناسایی مؤلف و مؤلفان کتاب کنونی سلیم باشد.

۵.۲. ارتباط نعمانی و نصیری با کتابت *الغیبه* و حواشی احادیث سلیم

روایات پنج‌گانه سلیم که جزو اضافات نو نویس *الغیبه نعمانی* است (استادی، ۱۴۰۰، ش: ج، سراسر متن) تا چند قرن در کتاب‌ها و منابع شیعی رایج نبوده است. در نتیجه، این مسئله به ذهن متبادر می‌شود که نسخه قدیمی *الغیبه* که این احادیث سلیم را دارد، در منطقه عراق و ایران نبوده، بلکه در منطقه شام وجود داشته است و احتمالاً در دوره

صفوی، به همراه نسخه‌های دیگر، برای تدوین جوامع حدیثی شیعه به ایران منتقل و از آن نسخه‌برداری شده است. این فرضیه، با ارتباط شخص نعمانی با فرقه نصیری و نیز تألیف، یا حداقل، وجود نسخه خطی الغیبه نعمانی در منطقه شام و، یا انتقال به آنجا، همخوانی دارد.

بر اساس منابع تازه‌یاب فرقه نصیری در شام، نعمانی در میان آنان، شخصیت مشهوری بوده که علاوه بر گزارش‌های ارتباط او با بزرگان نصیری مانند خصیبی، جلی، ابن‌شعبه، قطیعی بغدادی، غسانی مهلبی و...، تألیف چند کتاب دیگر هم به او نسبت داده شده است. نشانه‌های منصب حکومتی نعمانی در شام نیز در آثار نصیری آشکارتر است (اکبری، ۱۳۹۸ ش: سراسر متن). بنابراین، از همین تعاملات و شواهد نسخه‌ای، به ارتباط فرقه نصیری با کتاب سلیم باید پی برد و به قرائن منطبق با این کتاب دربارهٔ بر ساختگی کتاب سلیم توسط ایشان دست یافت.

۶.۲. ارتباط نصیری و عباسیان و تایید آنها در کتاب منسوب به سلیم

برای نشان دادن ارتباط کتاب‌های منسوب به سلیم با حکومت عباسیان، به‌عنوان حکومتی هماهنگ با فرقه نصیری، لازم است جداگانه، به ارتباط گروه‌هایی از نصیری با خلافت عباسی و نیز از آن مهم‌تر، ارتباط حمدانیان سلسله عباسی با غلات نصیری و همچنین وضعیت و تصویر عباسیان در کتاب‌های کنونی منسوب به سلیم، بپردازیم.

۱.۶.۲. ارتباط گروه‌هایی از نصیری با خلافت عباسی

غلات نصیری از زمان شکل‌گیری و در طی توسعه گروه‌ها و نحله‌های مختلف خود، در دوره‌هایی با حکومت و دستگاه عباسی، ارتباط خوبی داشته‌اند (باقری، ۱۳۹۱ ش: سراسر متن). برای نمونه خاندان بنی‌فرات (قرون ۳ و ۴ ق) که افرادی ذی‌نفوذ و سرشناسی بوده‌اند، در طول یک قرن (تا ۳۹۲ ق)، مناصب حکومتی مهمی چون وزارت و منشی‌گری دربار عباسی را به‌دست آوردند (سجادی، ۱۳۸۳ ش: ۱). این خاندان شیعه‌مذهب، یا خود از غالیان بودند (طوسی، ۱۳۸۲ ق: ۵۹۷؛ برقی، ۱۳۸۳ ق: ۵۰۹) و، یا با غالیانی همچون نصیری ارتباط داشتند و حتی به نظر می‌رسد که این خاندان رشد و ترقی غلات نصیری را سبب شده‌اند (باقری، ۱۳۹۱ ش: سراسر متن).

همچنین، تمایلات و گرایش‌های شیعی آنها، هماهنگی‌های روشنی با محتوای کتاب‌های کنونی منسوب به سلیم دارد. مثلاً، ابن میثم بحرانی (قرن ۷ ق) یکی از قدیمی‌ترین نسخه‌های خطبه شقشقیه را به تقریظ ابوالحسن علی بن فرات دیده است و یا مثلاً، جعفر بن فضل، مشهور به ابن حنزابه از خاندان بنی فرات که مدت‌ها در شام مستقر بوده است (مسکویه، ۱۳۳۲ ق: ۳۶۷/۱)، در کتاب غرر خود، از جریان آتش زدن درب خانه حضرت زهرا (س) سخن گفته است (صادقی کاشانی، ۱۳۹۰ ش: ۱۶۰). همچنین، گروه‌های مختلفی از نصیری، با برخی از حاکمان عباسی (دوره دوم یا سوم عباسی) در منطقه شامات و مخصوصاً حلب که محل فعالیت‌های توسعه‌یافته نصیری بوده است هماهنگ بودند.

۲.۶.۲. ارتباط حمدانیان سلسله عباسی با غلات نصیری

حمدانیان از خاندان‌های شیعی حاکم بر موصل، حلب و دمشق از قرن سوم تا اواخر قرن چهارم قمری بودند که به رغم هم پیمانی با حکومت‌های سنی، مذهب رسمی آنان، تشیع دوازده امامی (از نوع گرایش‌های غالبانه) بوده است (ابوفراس، ۱۴۲۰ ق: ۳۳۷، ۳۵۱). به طوری که حتی ترکیب جمعیتی حلب را به نفع شیعیان تغییر دادند (راغب، ۱۴۰۸ ق: ۲۵۳/۱). آنها اسامی پنج تن (ع) را بر روی سکه‌های حمدانی درج کردند (ابن ظافر، بی تا: ۳۷) و ساخت و سازهایی بر مزار حضرت علی (ع) انجام دادند و حتی قبه‌ای بزرگ ساخت که درون آن با فرش‌های گران قیمت پوشیده شده بود (ابن حوقل، ۱۹۳۸ م: ۲۴۰). همچنین، جملات «حی علی خیر العمل، محمد و علی خیر البشر» را به اذان اضافه کردند (ابن عدیم، ۱۹۵۱ م: ۱۷۲/۱). این وضعیت شیعه‌گری ایشان به گونه‌ای بود که آشکارترین جلوه‌های تشیع در اشعار این روزگار منعکس شده و آنان حتی به قدح دشمنان اهل بیت (ع) پرداخته‌اند (ابوفراس، ۱۴۲۰ ق: ۳۰۰، ۳۳۷، ۳۴۶، ۳۵۱).

مؤسس حمدانیان شام (حلب)، ابوالحسن علی، مشهور به سیف‌الدوله (م ۳۵۶ ق) است که با خصیبه نصیری، در سال‌های پایانی زندگی‌اش در منطقه حلب، در ارتباط بوده و حتی برخی بر آن هستند که سیف‌الدوله حمدانی، تحت ارشاد و حمایت معنوی خصیبه قرار داشته است. علویان معتقدند که سیف‌الدوله، وی را در نشر دعوت و سامان‌دهی امور فرقه خود، یاری و معاضدت کرده (غالب طویل، ۱۳۸۶ ق: ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۳) و او نیز کتاب الهدایة الکبری یعنی، معروف‌ترین اثر خود را به سیف‌الدوله تقدیم کرده است (همان، ۲۰۷). البته این تأثیرگذاری خصیبه را برخی فراتر ذکر کرده و گفته‌اند: طرسوس و جمیع مناطق

اطنه، تحت نفوذ سید خصیبی و خلیفه‌اش در دین، یعنی سید جلی کبیر بود، به طوری که سیف‌الدوله حمدانی پیروز نمی‌شد، مگر به واسطه حسین بن حمدان خصیبی که با نفوذ معنوی خود و تأثیرگذاری بر علویان، او را یاری می‌کردند (همان، ۴۴۰). روشن است که خصیبی از سران نصیری به بوده و آثار زیادی در این عقیده نگاشته (فریدمن، ۱۳۸۶: ۱۳۷) و آثار وی، در تدوین عقاید نصیری اهمیت ویژه‌ای داشته است. به طوری که آنان، خود را وام‌دار تعالیم خصیبی دانسته‌اند و گاهی از این فرقه، با نام طریقه خصیبیه یاد کرده‌اند. نصیریان برای پیوستن به این فرقه، به کتاب مجموع‌الاعیاد طبرانی سوگند می‌خورند که سرپوشی کنند و متعهد می‌شدند که «خصیبی طریقت» باشند (دجیلی، ۱۳۷۵ ق: ۶۲۳). به نظر می‌رسد که ارتباط حمدانیان سلسله عباسی یعنی، سیف‌الدوله ابوالحسن علی (۳۳۳ ق)، سعدالدوله ابوالمعالی شریف (۳۵۶ ق)، سعیدالدوله ابوالفضایل سعید (۳۸۱ ق)، ابوالحسن علی (۳۹۲ ق)، ابوالمعالی شریف (۳۹۴ ق) با غلات نصیری منطقه شام، هماهنگ و حسنه بوده است.

۳.۶.۲. وضعیت عباسیان در کتاب‌های کنونی منسوب به سلیم

یکی از معارف کتاب سلیم که از قدیم هم برخی به آن اشاره کرده‌اند و حتی برخی به واسطه وجود آنها، اصل وجود سلیم را موهوم و کتاب وی را جعلی دانسته‌اند (مدرسی، ۱۳۸۳ ش: ۱۲۰)، بدگویی نکردن کتاب کنونی سلیم از عباسیان و، یا سکوت در مقابل حکومت آنها و از همه مهم‌تر، تایید یا ترویج دودمان عباسیان است. مواردی در کتاب سلیم، این نظریه را جلوه‌گر می‌کند که نویسنده کتاب، مؤید و مروج حکومت عباسیان بوده است. برای نمونه در روایت ۲۵ کتاب کنونی سلیم، به منظور بزرگداشت ابن عباس، او و فرزندان عباس (عباسیان) را جزو اهل بیت (ع) محسوب شده‌اند. یعنی، تمام فرزندان عبدالمطلب (چه دختری و چه پسری)، همه از اهل بیت پیغمبرند (سلیم، ۱۳۹۷ ش: ۶۳۸). در ادامه همین حدیث، ضمن نقل خوابی از پیامبر (ص)، به نکوهش امویان و ترویج عباسیان پرداخته شده و آمده است:

... حکومت این امت را بعد از تو هفت نفر از فرزندان ابی‌العاص و مروان بن حکم و پنج نفر از فرزندانش به دست می‌گیرند که تکمیل دوازده امامی است که پیامبر در رؤیا آنان را دید که از منبرش پشت سر هم مانند میمون‌ها می‌پرند و امت او را از دین خدا به عقب بر می‌گردانند. و آنان شدیدترین مردم از نظر عذاب در روز قیامت هستند. خداوند

به زودی خلافت را به وسیله پرچم‌های سیاهی که از طرف شرق می‌آید از آنان خارج می‌کند، و آنان را به وسیله ایشان خوار می‌نماید و زیر هر سنگی باشند آنان را به قتل می‌رساند (سُلیم، ۱۳۹۷ ش: ۴۶۶)

در احادیث دیگری از کتاب کنونی منسوب به سُلیم نیز به ترویج عباسیان، حتی به صورت پیشگویی از پیامبر (ص)، پرداخته شده (همانند: سُلیم، ۱۳۹۷ ش، ۷۲۲، حدیث ۹۷)، اما در احادیث متعددی نیز به ذم و نکوهش امویان اقدام شده است (سُلیم، ۱۳۹۷ ش: ۳۹۳، ۳۹۵ و ۵۴۳). بنابراین، جای سؤال است که چرا از این دست تعبیر ذمی، فقط برای امویان نقل شده است و بر ضد عباسیان، حدیثی در کتاب سُلیم وجود ندارد. یعنی، پیشگویی‌های موجود در کتاب کنونی سُلیم از پیامبر (ص)، همه به ظلم و ستم، یا بدی و عذاب دودمان بنی‌امیه مربوط است و از ظلم و ستم‌های حکومت عباسیان، مطلبی درج نشده. مهم‌تر آنکه، چرا امامان «جور، گمراهی و ضلالت» و «غاصبان خلافت»، همه از خاندان بنی‌امیه معرفی شده‌اند (سُلیم، ۱۳۹۷ ش: ۳۲۸، ۴۵۷، ۴۶۴، ۴۶۶، ۵۴۷، ۵۴۹، ۶۴۰، ۶۶۲، ۷۲۲)، اما از امامان و خلفای بنی‌عباس، ذمی به میان نیامده است.

نتیجه‌گیری

طبق شواهد باستان‌شناسی و نشان‌های شکلی و فیزیکی، تاریخ تألیف کتاب‌های کنونی منسوب به سُلیم، در فاصله سال‌های ۳۴۳ تا ۵۷۷ هجری قمری است. به این معنی که در حال حاضر، دلیلی شکلی و فیزیکی نداریم که نشان دهد کتاب‌های کنونی منسوب به سُلیم، قدمتی فراتر از تاریخ پیش‌گفته دارد.

شواهدی همچون: «جغرافیای زیست راویان نهایی کتاب منسوب به سُلیم و نقل و نشر احادیث آنها، در منطقه شامات و جایگاه سلمان در نزد نصیریه و اهمیت نقش وی در کتاب‌های منسوب به سُلیم و نیز هماهنگی موضوعات کتاب سُلیم با علایق نصیریه و همچنین، هم‌زمانی دوره تألیف کتاب سُلیم با دوره شکوفایی نصیریه، ارتباط میان نعمانی و نصیریه با کتابت/غیبیه و حواشی احادیث سلیم و شواهدی از ارتباط نصیریه و عباسیان و تایید آنها در کتاب منسوب به سُلیم، نشان می‌دهد که کتاب کنونی منسوب به سُلیم، می‌تواند متعلق به منطقه شام و از میراث نصیریه باشد.

از آنجایی که در دوره صفویه، تلاش‌های فراوانی برای ایجاد مجموعه‌های حدیث شیعی انجام شد و وجود امکانات مالی، سیاسی و تسهیل حمل و نقل و نیز ارتباطات بین جوامع شیعی در ایران و عراق و شام، موجب گردآوری هر چه بیشتر نسخه‌های خطی شیعی شد و این وضعیت، زمینه تازه‌ای را برای آشنایی علمای امامیه با برخی آثار متروک دیگر مناطق ایجاد کرد، به نظر می‌رسد که در همین دوران، نسخه‌هایی از کتاب‌های منسوب به سلیم، در اختیار عالمان امامی ایران قرار گرفته است. به این معنی که شاید، نسخه‌های از این کتاب‌ها از منطقه شامات، در اختیار علمای جبل عامل قرار گرفته و از طریق آنها، به ایران و عراق و به عالمان شیعی دوره صفویه رسیده و به کتاب‌های آنها راه یافته باشد. این نظر به این دلیل تقویت می‌شود که نسخه‌های قدیمی کتاب‌های منسوب به سلیم که پیش از عصر صفوی کتابت شده، موجود نیست. برای عالمان دوران صفوی، نصیریه و آثار ایشان چندان شناخته نبوده و با اینکه در این کتاب‌ها، احادیث و روایاتی را می‌یافتند که اسناد بسیاری از آنها برای آنان ناشناخته بود، اما با توجه اینکه مضامین برخی از این روایات را در کتاب‌های دیگری از عالمان شیعی متقدم دیده بودند، به درج و ترویج این آثار نصیریه، از جمله کتاب‌های منسوب به سلیم، با دید تسامح اقدام کرده‌اند.

منابع و مطالعات

- ابن حوقل، محمد (۱۹۳۸ م)، *صورة الارض*، به کوشش کرامرس، هلند: لیدن.
- ابن ظافر أزدی (بی‌تا)، *اخبار الدولة الحمدانية بالموصل و حلب و دیار بکر و الثغور*، چاپ تمیمه رواف، بی‌جا: بی‌نا.
- ابن عدیم (۱۹۵۱ م)، *زبدہ الحلب من تاریخ حلب*، چاپ سامی دهان، دمشق: دارالکتاب العربی.
- ابن عساکر، علی (۱۴۱۵ ق)، *تاریخ مدینه دمشق*، بیروت: دارالفکر.
- ابن غضائری، احمد بن الحسین (۱۴۲۲ ق)، *رجال ابن الغضائری*، به کوشش حسینی جلالی، قم: دارالحدیث.
- ابوفراس حمدانی (۱۴۲۰ ق)، *دیوان*، شرح خلیل دویهی، بیروت: دارالکتاب العربی.
- ابوموسی و شیخ موسی (۲۰۰۶ م)، *سلسله التراث العلوی*، دیارمقل: دارالأجل المعرفه.

- استادی، کاظم (۱۳۹۹ ش)، الف: درباره اسناد سلیم، قم: کتابخانه دارالحديث.
- استادی، کاظم (۱۳۹۹ ش)، پ: نسخه‌های خطی منسوب به سلیم، قم: کتابخانه دارالحديث.
- استادی، کاظم (۱۳۹۹ ش)، ت: «معرفی نسخه‌های خطی سلیم»، مجله میراث شهاب، قم، ش ۹۹.
- استادی، کاظم (۱۳۹۹ ش)، ث: نسبت منابع نخستین و سلیم، قم: کتابخانه دارالحديث.
- استادی، کاظم (۱۳۹۹ ش)، ج: درباره سلیم و کتاب او، قم: کتابخانه دارالحديث.
- استادی، کاظم (۱۳۹۹ ش)، چ: مأخذ شناسی سلیم و کتاب او، قم: ارزشمند.
- استادی، کاظم (۱۳۹۹ ش)، ح: نسخه‌های خطی منسوب به سلیم، قم: کتابخانه دارالحديث.
- استادی، کاظم (۱۴۰۰ ش)، الف: اسرار آل محمد و سلیم بن قیس، قم: بوستان کتاب.
- استادی، کاظم (۱۴۰۰ ش)، ب: «بررسی انتساب سند کتاب سلیم به شیخ طوسی»، علوم حدیث، دوره ۲۶، شماره ۱، پیاپی ۹۹، صص ۱۵۰-۱۷۷.
- استادی، کاظم (۱۴۰۰ ش)، ج: «روایات سلیم بن قیس در الغیبه نعمانی و بررسی وضعیت استثنای آن در میان روایات دیگر»، اعتبار سنجی حدیث، دوره ۲، شماره ۴.
- اشکوری، سیدصادق (۱۳۸۹ ش)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران: مجلس.
- اکبری، عمیدرضا (۱۳۹۸ ش)، «تحلیلی از گزارش‌های تازه یاب شامی در مورد کاتب نعمانی»، مطالعات قرآن و حدیث، سال ۱۳ شماره ۱ (پیاپی ۲۵).
- انصاری، محمدباقر (۱۴۲۲ ق)، «کتاب سلیم بن قیس الهمالی أقدم نص تاریخی عقائدی فی الاسلام»، تراثنا، عشر، رجب ذوالحجه العدد ۳ و ۴.
- باقری، حمید (۱۳۹۱ ش)، «خاندان بنی‌فرات و رابطه آنها با غلات»، فصلنامه خاتم، شماره اول، سال اول.
- برعاشیر، منیر مایکل (۲۰۰۳ م)، «عناصر ایرانی در عقاید فرقه نصیری»، مجله ایران، سال ۴۱، شماره ۱۱، ۲۱۷-۲۲۷.
- برقی، احمد بن عبدالله (۱۳۸۳ ش)، رجال البرقی، تصحیح: سید کاظم موسوی میاموی، تهران: دانشگاه تهران.

برومند اعلم، عباس (۱۳۸۵ ش)، «فرقه نصیریّه از آغاز تا انتقال دعوت به شام»، تاریخ پژوهان، شماره ۵.

بدوی، عبدالرحمن (۱۳۷۴ ش)، *تاریخ اندیشه‌های کلامی در اسلام*، ترجمه صابری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

تهرانی، آقابزرگ (۱۴۰۸ ق)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
تهرانی، آقابزرگ (بی‌تا)، *طبقات اعلام‌الشیعه*، تحقیق: علینقی منزوی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

خصیبی (۱۴۱۱ ق)، *الهدایه الکبری*، بیروت: البلاغ.
دجیلی، عبدالحمید (۱۳۷۵ ق)، «کتاب مجموع‌الاعیاد و الطریقه‌الخصیبیه»، مجله المجمع‌العلمی العراقی، جلد ۴، شماره ۲.

راغب طبایح، محمد (۱۴۰۸ ق)، *اعلام النبلاء به تاریخ حلب الشهباء*، چاپ محمد کمال، حلب: دارالقلم العربی.

رحمتی، محمدکاظم (۱۳۸۵ ش)، «حسین بن حمدان خصیبی و اهمیت وی در تکوین نصیریّه»، هفت آسمان، شماره ۳۰.

روضاتی، محمدعلی (۱۳۹۳ ش)، «۳۱ نکته در باب سلیم بن قیس هلالی و کتاب او»، ترجمه عبدالحسین طالعی، مجله سفینه، سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص ۱۱۵-۱۴۵.
سجادی، صادق (۱۳۸۳ ش)، «ابن فرات»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

سلیم بن قیس (۱۴۱۵ ق)، *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، قم: الهادی.
سلیم بن قیس (۱۰۸۱ ق)، *کتاب سلیم بن قیس الهلالی (نسخه خطی)*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، نسخه شماره ۱۵۶۱۲.

سلیم بن قیس (حدود ۱۰۳۶ ق)، *کتاب سلیم بن قیس الهلالی (نسخه خطی)*، قم: کتابخانه مجلس، نسخه شماره ۱۵۶۳۸.

شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۶۴ ش)، *الملل والنحل*، تحقیق محمد بدران، چاپ قاهره افست قم: الشریف‌الرضی.

- صادقی کاشانی، مصطفی (۱۳۹۰ ش)، *دولتمردان شیعه در دستگاه خلافت عباسی*، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۲)، تهران، الطباعة و النشر.
- غالب طویل، محمد امین (۱۳۸۶ ق)، *تاریخ العلویین*، بیروت: دارالاندلس.
- فرایم، آرون (۱۳۸۶ ش)، «زندگی نامه حسین بن حمدان خصیبی، بنیان گذار فرقه نصیری علوی»، ترجمه محمدی مظفر، هفت آسمان، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۱۳۷-۱۷۰.
- قلقشندی، احمد بن علی (بی تا)، *صبح الاعشی*، بیروت: دارالکتب.
- قندهاری، محمد (۱۳۹۸ ش)، *بازشناسی هویت تاریخی سلیم بن قیس هلالی*، پایان نامه دکتری، دانشگاه تهران، پردیس فارابی (قم).
- کاظمی، عبدالنبی (بی تا)، *تکمله الرجال*، به کوشش محمد صادق بحر العلوم، نجف: مطبعه الآداب.
- مامقانی، عبدالله (۱۳۹۹ ق)، *تنقیح المقال*، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۸۳ ش)، *میراث مکتوب شیعه*، ترجمه علی قرائی، قم: کتابخانه تاریخ ایران و اسلام.
- مسکویه، احمد (۱۳۳۲ ق)، *تجارب الامم*، به کوشش آمد روز، قاهره: بی نا.
- موسی، متی (۱۳۷۹ ش)، «پیدایش نصیریان»، فصلنامه تاریخ اسلام، ترجمه حسین مفتخری، شماره ۳، صص ۱۰۷-۱۲۲.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۳۸۲ ق)، *مستدرک الوسائل*، تهران: چاپ افست.
- نوبختی، حسن بن موسی (۱۴۰۴ ق)، *فرق الشیعه*، بیروت: دارالأضواء.
- یحیی، علی (۱۳۹۷ ش)، «سلیم بن قیس در کتب سته»، مقاله دست نویس.